دریچه

مزرعه تربیت، میوه...

صفیه رکنی . فعال فرهنگی و اجتماعی

● امسال هفته معلم در شرایطی خاص گرامی داشته می‌شود، درحالی‌که مدارس بیش از دو ماه است که به علت شیوع ویروس کرونا تعطیل هستند و معلمان دلسوز به‌زعم بسیاری نه‌تنها تعطیل نبوده‌اند بلکه فشار کاری آنها دوچندان شده است.

اما در این روزها و در شرایطی که به‌واسطه ویروس کرونا بسیاری از ساختارهای فکری، فرهنگی و اجتماعی خواسته یا ناخواسته مورد واکاوی قرار گرفته و زیر سؤال رفته‌اند و می‌توان از آن به‌عنوان فرصتی طلایی یاد کرد، بیش از هر وقت دیگری جا دارد به چالش‌های نظام تعلیم و تربیت که پیشران توسعه است، پرداخت. معلمان عزیز این روزها بیشتر از هروقت دیگری با چالش‌های جدی در امر آموزش مواجه شده‌اند، مزایا و معایب استفاده از فناوری‌های جدید در آموزش و مشکلات ناشی از آن در مطالب مختلف نقد و بررسی شده است. اما آنچه نیاز به تأمل و دقت نظر و نیز تفکر برای اصلاح دارد، نکات تربیتی و خصلت‌های نهادینه شده در دانش‌آموزان است که دغدغه اساسی هر نظام تعلیم و تربیت در جهان امروزی است و در شرایط کنونی بیش‌ازپیش چهره واقعی خود را به رخ ساختارها، عوامل تعلیم و تربیت و نیز جامعه و خانواده کشیده است. شرایط کنونی منحصربه‌فرد بوده و فرصتی طلایی را برای بررسی و بازنگری بسیاری از مسائل به وجود آورده است؛ اینکه دانش‌آموزان می‌دانند تا پایان سال تحصیلی خبری از کلاس و معلم و آزمون حضوری نیست، نکته‌ای است مهم که می‌تواند تأثیر بسزایی در بروز شخصیت واقعی و اصالت فکری آنها داشته باشد. کودکان شاد و نوجوانان شادتر از تعطیلی طولانی‌مدت مدارس، عدم مسئولیت‌پذیری لازم دور از چشمان معلم، فقدان تعهد به انجام وظایف، رعایت‌نکردن آداب و رفتار زندگی سالم مثل ساعات منظم خواب، مطالعه، حتی رعایت بهداشت شخصی مثل مسواک‌زدن و.... خلاصه کلام بی‌علاقگی مفرط به یادگیری که اتفاقا مهم‌ترین مهارت و لازمه آموختن سایر مهارت‌ها و علوم است، شاخصه‌ها و صفاتی است که در دانش‌آموزان و فرزندان ما موج می‌زند. به عبارتی در این شرایط نظام تعلیم و تربیت اعم از خانواده، مدرسه و جامعه می‌توانند حاصل تأثیر و تربیت خود را مشاهده کنند و متأسفانه باید گفت این محصول کاریکاتوری است از موجودی با دانش بزرگ و مهارت‌های زندگی بسیار کم و کوچک که وقتی وارد جامعه می‌شود، با ده‌ها مشکل مواجه شده و چون یاد نگرفته چگونه از پس زندگی بربیاید، خود ده‌ها مشکل دیگر نیز برای جامعه به وجود می‌آورد. به عبارتی این بیماری و شرایط حاصل از آن به ما نشان داد که افراد جامعه برای زندگی در دنیای امروزی با ابعاد و ویژگی‌های خاص خودش، نیاز به آگاهی، مهارت و توانایی‌های زیادی دارند که نبودشان در این شرایط بیش‌ازپیش به چشم آمد. بنابراین وقت آن است که نظام تعلیم و تربیت با تشکیل اتاق‌های فکر برای شرایط پساکرونا برنامه‌ریزی دقیق جهت ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت به سمت ارائه، آموزش و نهادینه‌کردن مهارت‌های لازم جهت زندگی در جهان امروز و آینده باشد. جهانی که بیش از هروقت دیگر «برای بهتر زیستن» به «برای هم زیستن» و «باهم زیستن» نیازمند است. و این مهارت‌ها نیاز به آموزش دارد... . قبل از هر چیز باید بدانیم تعلیم و تربیت یک فرایند چندجانبه است که عوامل مختلفی در آن تأثیرگذارند، ساختارهای آموزشی و پرورشی موجود، عوامل اجرای این ساختارها که همان معلمان هستند، خانواده، جامعه و رسانه و در طرف دیگر دانش‌آموزان... . هرآنچه در نظام تعلیم و تربیت اتفاق بیفتد، اعم از محتوا و شکل ساختار تعلیم و تربیت، تلاش معلمان، همراهی خانواده و تأثیرات جامعه و رسانه، در صورتی می‌تواند در دانش‌آموز نفوذ کند و به نتیجه برسد که درهای ذهن او باز باشد؛ پس بسیار مهم است که طرف دوم یعنی دانش‌آموز برای یادگیری آماده و توانمند باشد. تربیت کاری است بس دشوار و پیچیده و نیازمند برنامه‌ریزی. با فرض اینکه برنامه‌ریزی درست و صحیح انجام شده باشد، برای دستیابی به اهداف این برنامه باید به انواع توانمندی‌های یاددهی مسلط بود. بنابراین توجه به دو کلیدواژه مهم و نهادینه‌کردن آنها را در ذهن کودکان گام نخست در این مسیر است. این دو کلیدواژه«تعلق‌خاطر به مدرسه» و « طعم خوش یادگیری» است. بی‌شک در کودکانی که به مدرسه تعلق‌خاطر ندارند و از طرفی به‌واسطه ساختار غلط آموزشی و تربیتی در مدارس از یادگیری هم دلزده می‌شوند، هیچ پیام آموزشی و تربیتی مؤثر و ماندگار نخواهد بود. بنابراین اگر بناست مسیر توسعه از مدرسه پیموده شود که راهی جز این نیز وجود ندارد، باید به این نکات توجه ویژه شود.

دستیابی به تربیت کارآمد و موفق که نتیجه آن دانش‌آموزان به معنای واقعی «آینده‌ساز» خواهد بود، در پی تغییر رویکردهای اساسی در نظام تعلیم و تربیت رخ می‌دهد.

به عبارتی ابتدا باید نگرش جامع، به روز و جهانی به تربیت داشت. سپس تعریف درستی از تعلیم و تربیت ارائه داد و بر اساس آن تعریف برای عملیاتی‌شدن آن راهکارهای اجرائی تدوین کرد. این مراحل با فرض اینکه درست و اصولی طی شود، به سرانجام نمی‌رسد مگر با دستیابی به دو امکان لازم در دانش‌آموزان، یعنی «تعلق‌خاطر به مدرسه» و «آشنایی با طعم خوش یادگیری».

یادداشتی از علی میرزایی در فراق نجف دریابندری

از ته دل می‌خندید و با صدای بلند

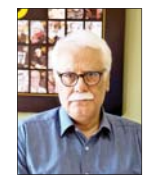

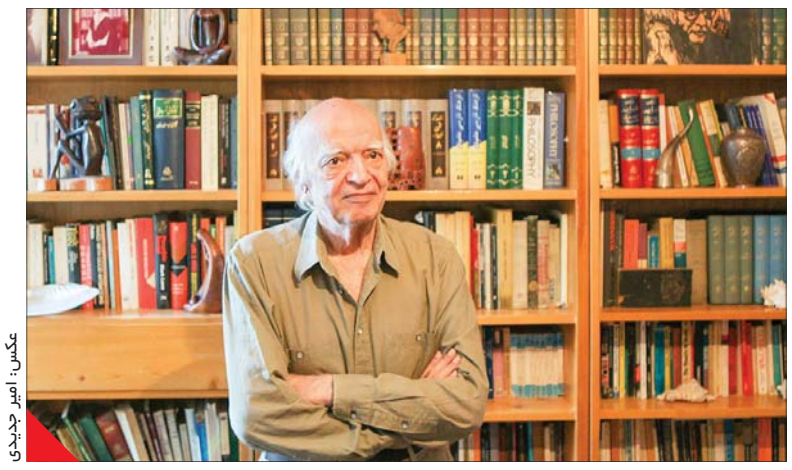

عکس: امیر جدیدی

شرق: علی میرزایی، سردبیر مجله «نگاه نو» سال‌ها پیش در مصاحبه مفصلی با عنوان «رازهای ترجمه بیلی باتگیت» با نجف دریابندری به گفت‌وگو نشست که در شماره ۴۱ مجله نگاه نو، تابستان ۱۳۷۸ منتشر شد. جز این، مجله نگاه نو ویژه‌نامه‌ای نیز برای نجف دریابندری تدارک دیده بود که در شماره ۶۹ مجله در تاریخ اردیبهشت ۱۳۸۵ به چاپ رسید و بزرگانی از اهالی ادبیات و فرهنگ ازجمله احمد سمیعی(گیلانی)، سیروس علی‌نژاد، عبدالحسین آذرنگ، منوچهر انور و دیگران درباره آثار دریابندری، ترجمه‌هایش و وجوه مختلف شخصیت و کارنامه کاری او نوشتند. متن زیر حاصل گفت‌وگویی با علی میرزایی، از نزدیکان خانواده نجف دریابندری و از دوستان یا به قول خودش به اعتبار سن و تجربه از شاگردان دریابندری است که در آن جز پرداختن به شخصیت و آثار دریابندری دو خبر نیز می‌دهد: یکی خبر تلخ مربوط به مراسم خاک‌سپاری این مترجم بزرگ که بناست روز سه‌شنبه در بهشت سکینه کرج در کنار همسرش، فهیمه راستکار به خاک سپرده شود و بعد از شرایط کرونایی اخیر مراسمی برای ایشان برگزار شود. دیگر، وکالتی است که نجف دریابندری به فرزندش سهراب دریابندری داده است که بر این مبنا، سرنوشت آثارش را به او سپرده است.

نجف دریابندری شب یکشنبه در کما بوده، حدود ۱۰ صبح دوشنبه ۱۵ اردیبهشت، به هوش آمده، چشم‌هایش را باز کرده، با نگاهی پرسشگر به سهراب (پسرش) نگاه کرده و در ساعت ۱۱:۲۷ فوت شده است. تاریخ دقیق تولد آقای نجف دریابندری سال ۱۳۰۹ است، روز و ماهش هم روشن نیست. تاریخ ۱۳۰۸ در شناسنامه ایشان آمده و گویا پدر ایشان شناسنامه‌اش را زودتر می‌گیرد تا زودتر او را به مدرسه بفرستند. اما نجف دریابندری تا ۱۷، ۱۸ سالگی بیشتر تحصیل نکرده و حتی دیپلم نگرفته است و در دورانی که زندان بوده هم انگلیسی یاد می‌گیرد و هم نقاشی و جالب اینجاست که با اینکه او منتسب به حزب توده بود اما یکی از ماندگارترین نقاشی‌هایش، پرتره‌ای است که از زنده‌یاد دکتر محمد مصدق کشیده بود که این را هم روی جلد یکی از شماره‌های «نگاه نو» چاپ کردیم. نجف از خانواده‌ای فرودست بود و از آنجا به اینجا رسید.

زمانی که در انتشارات «فرانکلین» بوده، برای گذراندن یک دوره مدیریت به لوزان سوئیس می‌رود. نجف در ۱۴، ۱۵ سال اخیر چهار بار سکته مغزی کرد و این سکته‌ها به‌تدریج باعث فلج‌شدن او شد، درعین‌حال که عارضه قلبی هم داشت که این مشکل مغزی را تشدید می‌کرد. نجف در پنج‌سالگی به مدرسه می‌رود. آثار او همان فهرست کتابشناسی است که در اردیبهشت ۱۳۸۵ در مجله «نگاه نو» منتشر شد و بعد از آن فقط یک کتاب با عنوان «از این لحاظ» را در نشر کارنامه منتشر کرد. ترجمه‌ای هم دارد به اسم «شوایک سرباز پاکدل» که وقتی از سفر وین برگشت، خواست آن را چاپ کند اما می‌بیند مترجم دیگری (ظاهرا حسن قائمیان) آن را ترجمه کرده و می‌گوید این ترجمه خوب است و دیگر لازم نیست من ترجمه‌اش کنم. نجف دریابندری سه فرزند داشت، دو فرزند از خانم ژانت لازاریان به نام‌های نوشین و آرش و یک فرزند از خانم فهیمه راستکار به نام سهراب. آقای دریابندری در سال‌های آخر عمرش وکالت تمام امور خود و منافع آثار خود را به سهراب منتقل کرده؛ بنابراین ناشران باید از این پس با ایشان هماهنگ کنند.

سال‌ها سکوت

این اواخر خدمتش که می‌رفتیم، فقط نگاه می‌کرد. سال‌ها بود که او صحبت نمی‌کرد اما برخی از دوستان را که می‌دید، ابراز شادمانی می‌کرد و در صورت‌شان حالت شکفتگی پیدا می‌شد اما در این هفت، هشت سال آخر زندگی قادر به حرف‌زدن نبودند. دریابندری قبل از انقلاب سال‌ها معاون فرهنگی مؤسسه «فرانکلین» بود و حدود چهار سال پیش از انقلاب از فرانکلین بیرون آمد و به رادیو تلویزیون ملی ایران رفت. آقای دریابندری ترجمه فیلم‌های خارجی را که به ایران می‌آوردند و دوبله می‌کردند، برای پخش در تلویزیون، سروسامان داد و برای همین بهترین ترجمه فیلم‌هایی که در تلویزیون ایران نمایش داده شد، مربوط به همان چهار سال حضور نجف دریابندری در بخش ترجمه و دوبله رادیو و تلویزیون ملی است. بعد از آن سال‌ها معلوم نیست به چه دلیل عذر ایشان را از تلویزیون خواستند. به نظرم نجف دریابندری پیش از انقلاب ۱۳ اثر ترجمه کرد اما بعد از انقلاب حدود ۲۲ اثر مهم نوشته و ترجمه کرد. من دوره‌ای که در سازمان برنامه‌وبودجه سمتی داشتم، به ایشان زحمت می‌دادم و چندین بار از ایشان خواهش کردم برای آموزش‌دادن به مترجمان و ویراستاران ما بیایند و به آنها کمک کنند. یادم هست یک شب که من تازه از بیمارستان قلب مرخص شده بودم و در خانه تنها بودم، حدود ساعت هشت، نُه شب بود که زنگ زدند، نجف دریابندری بود. گفت آمده‌ام عیادت. یک‌ساعتی کنار بستر من نشستند. کتاب «بیلی‌باتگیت» را هم که تازه ترجمه کرده بودند، با خود آورده بودند که امضا کردند و به من دادند. این شد بستر مصاحبه مفصلی که من بعدا با آقای دریابندری انجام دادم درباره همین کتاب و ترجمه‌اش از «بیلی‌باتگیت» که در شماره ۴۱ «نگاه نو» در تابستان ۱۳۷۸ چاپ شد.

یکی از پنج تنِ ترجمه بود

جایگاه نجف دریابندری در میان مترجمان ما جایگاهی ممتاز است. او جزء پنج مترجمی است که می‌توان او را ممتاز تلقی کرد. هنر بزرگ نجف دریابندری در ترجمه این بود که در ترجمه هرکدام از کتاب‌هایش یک لحنی را پیدا می‌کرد. شما وقتی ترجمه رمان «بازمانده روز» ایشی گورو را می‌خوانید، ترجمه‌اش هیچ ارتباطی با زبان و لحن ترجمه او از «وداع با اسلحه» همینگوی یا آثار ویلیام فاکنر یا ترجمه‌هایش از کارهای راسل ندارد. این هنر آقای دریابندری بود که برای هر ترجمه خود یک لحن تازه پیدا می‌کرد. این‌طوری به ما به‌عنوان شاگردان خودش می‌آموخت که مثلا یک خدمتکار در خانه اشرافی این‌طور صحبت نمی‌کند که مثلا وینستون چرچیل صحبت می‌کند. او یک‌جور حرف می‌زند و چرچیل نوع دیگری. آقای دریابندری این لحن متفاوت حرف‌زدن را پیدا می‌کرد که به‌نظر من یافتنِ این لحن مناسب کار بسیار مهم او در ترجمه رمان‌های فرنگی به فارسی است که در انحصار دریابندری است. ما کسی را نداریم که در این کار از نجف دریابندری بیشتر پیشرفت کرده باشد. اگرچه در ترجمه استادانی مثل آقای عزت‌الله فولادوند را داریم که ترجمه‌هایشان در حوزه فلسفه و علوم سیاسی و فلسفه سیاسی نمره یک هستند اما از حیث لحن هر اثر، دریابندری یگانه است.

دعوت به خواندن با مقدمه

از دیگر نکات کارهای نجف دریابندری مقدمه‌هایی است که او بر ترجمه‌هایش می‌نوشت. در این زمینه دو نفر سهم بسیار بزرگی در نوشتن مقدمه بر کتاب دارند: یکی آقای فولادوند هستند و یکی هم نجف دریابندری. اینها با مقدمه‌هایی که می‌نوشتند، خواننده را برای خواندن کتاب آماده می‌کردند. اینکه در این کتاب چه اتفاقاتی افتاده، نویسنده چه کسی است، یا کتاب در چه دورانی نوشته شده و... درحالی‌که امروز، رمان‌های مهم دنیا منتشر می‌شود و شما کتاب را که باز می‌کنید، می‌بینید نوشته فصل اول. اصلا معلوم نیست این داستان چیست، کارنامه نویسنده‌اش چیست، یا کارنامه خود مترجم چه بوده! آقای دریابندری در این کار نیز طرازاول بود. ضمن اینکه نجف طنز خاص بی‌نظیری هم داشت. آن کتاب بسیار معروف «چنین کنند بزرگان» به‌خوبی نشان می‌دهد که نجف دریابندری نمک خالص بود. قهقهه‌هایی هم که نجف دریابندری می‌زد، در کل ایران مشابه نداشت: از ته دل می‌خندید و با صدای بلند.

دریابندری و وضعیت اخیر ترجمه

نجف دریابندری اوضاع ترجمه را در سال‌های اخیر بد می‌دانست. معتقد بود آن نوع ترجمه‌ای که در سال ۱۳۴۹ با دایرشدن «فرانکلین» و جدی‌شدن ویراستاری در ایران شکل گرفت و تکامل پیدا کرد، یکباره در سال‌های اخیر بر اثر این سیاست غلط مقدم‌دانستن نشر انبوه بر نشر باکیفیت از بین رفت. در ایران که به نظرم اگر پنج، شش هزار عنوان کتاب باکیفیت درمی‌آمد خوب بود، با سیاست‌های دولت که می‌خواست شمار عناوین انتشاراتی کتاب را بالا ببرد، به ۶۰ تا ۷۰ هزار عنوان کتاب در سال رسید. این در حالی است که ما هیچ جایی را نداریم که مترجم تربیت کند. هیچ‌کدام از مترجمان خبره ما از مدرسه ترجمه بیرون نیامدند؛ مثل بسیاری از روزنامه‌نگاران درجه یک ما که از مدرسه روزنامه‌نگاری بیرون نیامدند. در هیچ نشری ما مترجم تربیت نکردیم. یعنی ناشران ما نیامدند ۳۰ نفر آدم بااستعداد را بیاورند و هزینه کنند که استادانی مثل نجف دریابندری، احمد سمیعی، عزت‌الله فولادوند، خشایار دیهیمی و دیگران به آنان آموزش ترجمه بدهند تا این ناشران سال بعد صاحب ۱۰ مترجم خوب باشند. درعین‌حال که بسیاری از ناشران ما با ویراستاری هم بیگانه هستند. به همین دلایل بود که دریابندری اوضاع ترجمه را در سال‌های اخیر چندان خوب نمی‌دانست.

نجف دریابندری هرگز از خاطره این سرزمین نخواهد رفت

در دهکده خود بیگانه‌تر می‌شویم

فؤاد نظیری
مترجم و منتقد

در وهله اول ازدست‌رفتن استاد نجف دریابندری را به همه اهل قلم صمیمانه تسلیت می‌گویم. علی‌رغم اینکه ایشان عمر نسبتا طولانی و پربارى داشتند، اما وقتی چنین بزرگی از دست می‌رود، در هر مرحله از سن هم که این اتفاق بیفتد، جای بسیار بسیار غبن و اندوه است.

زمانی که دوران نوجوانی و جوانی من و هم‌نسلانم آغاز شد، نجف دریابندری و دیگر هم‌نسلان ایشان در اوج پختگی بودند و من به سهم خود به جرئت می‌توانم بگویم که در زمینه آموختن ادبیات، استاد دریابندری یکی از شاخص‌ترین معلمانم بوده است.

او مترجمی جامع‌الاطراف بود با تسلط به هر دو زبان مبدأ و مقصد و برخوردار از یک پشتوانه مطالعاتی بسیار وسیع. امکان ندارد کسی در ترجمه به جایگاه بزرگانی همچون نجف دریابندری و ابوالحسن نجفی برسد و مطالعات وسیع نداشته باشد. یقین دارم که نجف دریابندری ده‌ها برابر آنچه در مقولات مختلف ترجمه کرد، در زمینه همان مقولات خوانده بود؛ چه در زمینه ادبیات داستانی و چه مباحث فلسفی و... . کتابی مانند «معنی هنر» هربرت رید را نمی‌توان ابتدا به ساکن و به‌عنوان یک آماتور برداشت و ترجمه کرد؛ برای چنین کارهایی باید بر موضوع تسلط داشت.

در این مجال کوتاه نمی‌شود درباره تمام شاخصه‌های کار نجف دریابندری صحبت کرد، اما دامنه وسیع کار ایشان را شاید بشود در چهار شاخه اصلی طبقه‌بندی کرد؛ نخستین شاخه، ترجمه آثار ادبی است. آنچه نجف دریابندری از ادبیات داستانی جهان به فارسی ترجمه کرد، اکنون جزء گنجینه‌های ادبیات داستانی ماست و امروزه آثار بزرگانی مثل همینگوی و مارک تواین در زبان فارسی با نام و حضور مجسم نجف دریابندری به‌عنوان مترجم این آثار به ذهن‌مان متبادر می‌شود.

شاخه دوم، ترجمه‌های ایشان از متون فلسفی است؛ مثل «تاریخ فلسفه غرب» برتراند راسل، «افسانه دولت» ارنست کاسیرر و «متفکران روس» آیزایا برلین.

سومین شاخه، ترجمه متون مرجع هنری است؛ مثل «معنی هنر» هربرت رید که هنوز است یکی از بهترین مرجع‌های ما در زمینه سیر تطور هنر در غرب و در جهان است و همچنین «تاریخ سینما»ی آرتور نایت که بسیاری از مباحثش همچنان قابل استفاده است.

شاخه چهارم، مقالات خود ایشان است؛ نجف دریابندری جدا از اینکه مترجم بسیار زبده و قدری بود، نثر بی‌نظیری هم داشت و خودش در زمینه ادبیات، هنر و ذهنیت اجتماعی صاحب اندیشه و نظر بود. نگاهی به مجموعه مقالات ایشان در کتاب‌هایی همچون «در عین حال»، «از این لحاظ» و «به عبارت دیگر»، این را به‌خوبی نشان می‌دهد و از این جمله است تحلیل‌های بسیار آموزنده ایشان در زمینه نقاشی، درعین‌حالی که دریابندری خود طراح و نقاش خوبی هم بود و گرچه هیچ‌وقت به جد به این قضیه نپرداخت، اما سیاه‌قلم‌ها و طرح‌هایی که زده است، مثل طرح روی جلد رمان «بازمانده روز» یا پرتره‌ای که از دکتر مصدق کشیده، جامع‌الاطراف‌بودن او را به‌خوبی نشان می‌دهد.

اما به‌جز شاخه‌های اصلی که اشاره شد، نجف دریابندری در حوزه‌های دیگری هم که شاید در قیاس با آنها حاشیه‌ای به نظر آید، کارهای ارزنده‌ای کرد؛ از این جمله است حضور او به‌عنوان ویراستار در انتشارات فرانکلین که نقشی تعیین‌کننده در حرکت‌های اصلی فرانکلین داشت و بر کارهای کسانی هم که بعدها خودشان مترجمان یا صاحب‌قلم‌های بسیار زبده و معتبری شدند، تأثیر گذاشت. همچنین باید به حضور مؤثر ایشان در مجله «کتاب امروز» اشاره کرد؛ مجله‌ای که هنوز هم جزء مراجع و مجلات وزین فرهنگی است. این مجله را شرکت سهامی کتاب‌های جیبی درمی‌آورد و مدیریت آن و به‌خصوص مصاحبه‌هایی که آنجا انجام می‌شد، بر عهده خود استاد دریابندری بود؛ اگرچه در کنار ایشان، استاد کریم امامی، استاد شفیعی‌کدکنی و کسان دیگر هم بودند. آن مصاحبه‌ها به‌قدری حرفه‌ای و دقیق است که هرکدامش اکنون یک مرجع به شمار می‌آید؛ مثل مصاحبه‌ای که در آن مجله با استاد محمد قاضی انجام شد یا مصاحبه با استادان دیگری مثل شاهرخ مسکوب، فؤاد روحانی و همچنین استاد مجتبی مینوی که اگر اشتباه نکنم، آن صفت طنزآلود، درعین‌حال واقع‌بینانه «پژوهشگر ستیهنده» را استاد دریابندری در آن مجله به استاد مینوی اطلاق کردند.

و از دیگر شاخه‌های فرعی کار نجف دریابندری، یکی هم «کتاب مستطاب آشپزی» است. البته اوایل که این کتاب درآمد، به عده‌ای شوک وارد شد و گفتند استاد دریابندری چطور چنین کتابی تألیف کرده است؟! اما اتفاقا «کتاب مستطاب آشپزی» مرجعی است نه‌فقط درباره غذا، بلکه درباره بازتاب فرهنگ‌ها. این کتاب علاوه بر بحث غذا، حاوی پشتوانه‌ای است که نمودارى از فرهنگ را نشان می‌دهد و می‌تواند مرجعی باشد برای شناخت اجتماعی.

دست آخر باید به طنز بی‌نظیر نجف دریابندری اشاره کنم که یکی از زیباترین نشانه‌های طنز معاصر ماست و نمونه‌اش را در کتاب بسیار معروف «چنین کنند بزرگان» ویل کاپی می‌بینیم که البته این بحث بود که چنین نویسنده‌ای وجود دارد یا نه، اما خود ایشان تأکید کردند چنین نویسنده‌ای بوده و بنا بر این حتما بوده؛ ولی آن کتاب فقط ترجمه نیست و در واقع محملی است تا دریابندری آن طنز بسیار درخشان خود را در قالب آن به زبان فارسی عرضه کند که یکی از بی‌مانندترین نمونه‌های طنز معاصر فارسی است. حقیقت این است که بزرگانی مثل استاد نجف دریابندری، هویت ما و هویت فرهنگی و ادبی ایران معاصر را پی افکندند و آثارشان و حتی حرکت‌های اجتماعی‌شان هرگز از خاطره این سرزمین نخواهد رفت.

با وامی از یکی از ترجمه‌های خود ایشان، یعنی «بیگانه‌ای در دهکده» مارک تواین که در دهه ۴۰ در شماره سوم مجله «کتاب هفته» چاپ شد و فارغ از موضوع خود آن داستان، باید بگویم که یقین دارم با رفتن بزرگانی مثل نجف دریابندری، ما داریم در دهکده خودمان بیگانه‌تر می‌شویم و این جای بسیار بسیار تأسف است.

خبر

معافیت سربازی برای خانواده جان‌باختگان هواپیمای اوکراینی

● **شرق:** رئیس سازمان وظیفه عمومی نیروی انتظامی گفت: جان‌باختگان سانحه سقوط هواپیمای اوکراینی که تابعیت ایرانی دارند در حکم شهید بوده و از امتیازات قانون خدمت وظیفه عمومی بهره‌مند می‌شوند. به گزارش پایگاه خبری پلیس، سردار تقی مهری اظهار کرد: از آنجا که جان‌باختگان سانحه سقوط هواپیمای اوکراینی با تابعیت ایرانی در حکم شهید محسوب شده‌اند، بنابراین برابر ابلاغیه ستاد کل نیروهای مسلح، خانواده‌های این عزیزان می‌توانند از تمام امتیازاتی که برای شهدا در قانون خدمت وظیفه عمومی در نظر گرفته شده است، بهره‌مند شوند. وی گفت: برابر قانون خدمت وظیفه عمومی، کلیه فرزندان ذکور شهدا از خدمت سربازی معاف می‌شوند و در صورتی که شهید فاقد فرزند ذکور باشد به ازای هر شهید یک نفر از برادران وی از انجام خدمت سربازی معاف می‌شود.

افزایش کرایه‌های جدید حمل‌ونقل عمومی تهران

● **شرق:** افزایش ۲۵ درصدی نرخ کرایه تاکسی، مترو و اتوبوس از ابتدای خردادماه ۱۳۹۹ در شهر تهران اعمال خواهد شد. محمد علیخانی درباره زمان اجرای افزایش نرخ کرایه تاکسی و بلیت مترو و اتوبوس گفت: طبق مصوبه «بودجه سال ۱۳۹۹ شهرداری تهران، سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه» شورای اسلامی شهر تهران، اعمال افزایش نرخ کرایه حمل‌ونقل عمومی شهر تهران باید از ابتدای اردیبهشت سال جاری انجام می‌شد که بنابر دستور ستاد ملی مقابله با کرونا، این افزایش کرایه از ابتدای خرداد اعمال خواهد شد. نرخ بلیت متروی شهر تهران در سال جاری، طبق این مصوبه ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت.

بلیت تک‌سفره داخل‌شهری هزار و ۵۰۰ تومان

بلیت تک‌سفره حومه به تهران ۲۰۰ تومان بیشتر از نرخ بلیت تک‌سفره داخل‌شهری در سال ۱۳۹۹

بلیت تک‌سفره هشتگرد پنج هزار تومان

بلیت تک‌سفره فرودگاه امام خمینی (ره) همانند سال قبل بدون افزایش ۹ هزار تومان

طبق تبصره یکم این مصوبه به شهرداری تهران اجازه داده شده که به منظور تشویق مسافران به استفاده از کارت بلیت‌های مبلغ‌دار، متناسب با مسافت طی‌شده نسبت به اعمال تخفیف حداکثر تا ۵۰ درصد بهای بلیت تک‌سفره اقدام کند.

نرخ کرایه خطوط اتوبوس و مینی‌بوس در سال جاری نسبت به سال ۱۳۹۸، ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت. در ضمن نرخ کرایه خطوط اتوبوس و مینی‌بوس در هر خط متفاوت است.

شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران مجاز است در صورت راه‌اندازی زیرساخت پذیرش بلیت تک‌سفره در ایستگاه‌های خطوط اتوبوس‌رانی تندرو، نسبت به صدور و فروش بلیت تک‌سفره داخل‌شهری معادل نرخ بلیت تک‌سفره داخل‌شهری مترو به منظور استفاده مشترک مسافران در تمام خطوط تندروی مترو اقدام کند.

نرخ کرایه انواع تاکسی در شهر تهران در سال جاری تا سقف ۲۵ درصد نسبت به نرخ پایه مصوب سال ۱۳۹۸ افزایش خواهد یافت.

نرخ کرایه تاکسی در نوبت شب از ساعت ۲۲ الی ۶ بامداد، ۲۰ درصد به نرخ‌های تعیین‌شده، افزوده می‌شود. نرخ کرایه ناوگان تاکسی‌رانی که خدمات ویژه به شهروندان ارائه می‌کنند تا ۸۰ درصد افزایش خواهد یافت و تعیین نرخ در این تاکسی‌ها به وسیله تجهیزات محاسبه کرایه انجام می‌شود.

بر اساس گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شهرنوشت، همچنین نرخ کرایه سرویس مدارس نیز در سال جاری نسبت به سال ۱۳۹۸ تا سقف ۲۵ درصد با افزایش نرخ مواجه شده است.

شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند «سهامی عام»

«آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه گران»

شماره مجوز: ۵۹۵- ۱۳۹۹

نوبت اول

شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند در نظر دارد به استناد قانون برگزاری مناقصات، انجام موضوع مناقصه ذیل‌الذکر را از طریق برگزاری تشریفات مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به سازنده واجد شرایط واگذار نماید.

۱)موضوع مناقصه:

الف) شرح:

شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مدت زمان انجام کار	مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار (ریال)
۹۸/۴۲	تهیه و ساخت دو عدد تیوب باندل E-۱۵۳۸A/B	۸ ماه شمسی	۳/۱۴۴/۰۰۰/۰۰۰

ب) شرایط متقاضی: ۱- داشتن شخصیت حقوقی، شماره اقتصادی و شناسه ملی. ۲- داشتن توانایی مالی، امکانات و ماشین‌آلات مورد نیاز و سوابق کار مفید و مرتبط با موضوع مناقصه مذکور و دارا بودن گواهی حسن انجام کار از خریداران قبلی. ۳- دارا بودن گواهی‌نامه‌های لازم در خصوص انجام موضوع مناقصه مذکور. ۴- توان ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار و همچنین توان ارائه تضمین انجام تعهدات مطابق آیین‌نامه تضمین برای معاملات دولتی. ۵- برآورد تقریبی هزینه انجام موضوع مناقصه معادل ۶۲/۸۸۰/۰۰۰/۰۰۰ (شصت و دو میلیارد و هشتصد و هشتاد میلیون) ریال می‌باشد. ۶- داشتن صورتهای مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا اعضاء جامعه حسابداران رسمی مطابق با ماده ۲ آیین‌نامه راهکارهای افزایش ضمانت اجرایی و تقویت حسابرسی (در صورت برنده شدن در مناقصه، مربوط به سال قبل از انعقاد قرارداد به تشخیص کارفرما).

۲)نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند واقع در استان مرکزی اراک ـ کیلومتر ۲۰ جاده بروجرد

۳)مهلت، محل دریافت و تحویل فرمهای استعلام ارزیابی کیفی: متقاضیانی که دارای شرایط اولیه مندرج در (بند ب) ماده یک بوده و متقاضی شرکت در مناقصه فوق‌الذکر می‌باشند، می‌توانند به مدت ۵ روز کاری پس از انتشار نوبت دوم آگهی (سه روز پس از درج آگهی نوبت اول چاپ می‌شود) طی ساعات اداری از ساعت ۷ صبح لغایت ۱۵:۳۰ عصر ضمن ارسال تقاضای اعلام آمادگی جهت و مناقصه، فرمهای استعلام ارزیابی کیفی را از طریق پایگاه اینترنتی این شرکت به آدرس WWW.IKORC.ir دریافت و پس از تکمیل فرمها، به همراه رزومه کاری در قالب لوح فشرده (CD) حداکثر تا دو هفته پس از آخرین مهلت ارسال تقاضا به نشانی اراک ـ کیلومتر ۲۰ جاده بروجرد ـ سه راهی شازند ـ شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند ـ ساختمان مرکزی ـ طبقه دوم ـ امور حقوقی و پیمانها ـ اتاق ۲۳۲ تحویل نمایند. ضمنا تلفکس شماره ۳۳۶۷۳۷۰۱- ۰۸۶ و تلفن شماره ۳۳۴۹۱۰۸۵-۰۸۶ آماده پاسخگویی می‌باشد.

۴)محل، زمان و مهلت تحویل اسناد و مدارک متقاضیان: مهلت تحویل اسناد و مدارک متقاضیان (رزومه کاری) در قالب لوح فشرده (CD) حداکثر تا دو هفته پس از آخرین مهلت ارسال تقاضای اعلام آمادگی می‌باشد. ضمنا محل تحویل مدارک درخواستی مورد نظر، امور حقوقی و پیمانهای شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند به نشانی مندرج در ماده «۳» می باشد. بدیهی است به مدارک ارسالی بعد از مهلت مقرر ترتیب اثر داده نخواهد شد. ضمنا این شرکت حق و اختیار تام و تمام قبول یا رد هر یک یا کلیه پیشنهادهای رسیده را در چهارچوب قوانین و مقررات مربوطه دارا می‌باشد و دادن پیشنهاد و ارائه اسناد و مدارک هیچگونه حقی برای متقاضیان ایجاد نمی‌کند. لازم به ذکر است دستگاه مناقصه گزار حداقل تا یک ماه پس از وصول اسناد ارزیابی کیفی نسبت به اعلام اسامی واجدین شرایط اقدام خواهد نمود.

روابط عمومی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند

آدرس اینترنتی: WWW.SHANA.IR WWW.IKORC.ir